

شهریور ۱۴۰۱
مسلسل ۱۸۴۳۹

**کودکان کار و خیابان در ایران (۲):
ارزیابی طرح‌ها و الگوهای مداخله و الزامات
تدوین طرح مداخله جامع**





مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

کد موضوعی: ۲۱۰

شماره مسلسل: ۱۸۴۳۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: کودکان کار و خیابان در ایران (۲): ارزیابی طرح‌ها و الگوهای مداخله و الزامات تدوین طرح مداخله جامع

نام دفتر: مطالعات اجتماعی (گروه آسیب‌های اجتماعی)

تهیه و تدوین: فرشاد کرمی

همکاران: محسن کرمانی، احسان آزمون‌نیا، محسن ظریف، محمود علیگو

ناظران علمی: سامان یوسفوند، محمدرضا مالکی، کمیل قیدرلو

ویراستار ادبی: طاهره سیدمحمد

واژه‌های کلیدی:

۱. کودکان کار و خیابان

۲. توانمندسازی

۳. بهزیستی

۴. طرح مداخله

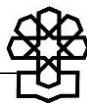


تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۶/۲۳

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	اقدامات و الگوهای مداخله در باب سامان‌دهی کودکان کار و خیابان
۶	ارزیابی طرح‌ها و الگوهای مداخله
۹	الزامات تدوین طرح مداخله جامع
۱۰	۱. مفهوم‌شناسی گونه‌های کودکان کار و خیابان
۱۶	۲. شناسایی بسترهای بروز پدیده کودکان کار و خیابان
۱۹	۳. تهیه آمارهای دقیق از کودکان کار و خیابان
۲۰	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۳	منابع و مآخذ



کودکان کار و خیابان در ایران (۲): ارزیابی طرح‌ها و الگوهای مداخله و الزامات تدوین طرح مداخله جامع

چکیده

افزایش جمعیت کودکان کار و خیابان به‌ویژه به‌دلیل همه‌گیری بیماری کرونا، نگرانی‌ها در خصوص این کودکان را افزایش داده است. در گزارش نخست از سلسله گزارش‌های کودکان کار و خیابان، قوانین و مقررات مرتبط با این حوزه مورد بررسی قرار گرفت و در پژوهش حاضر به ارزیابی طرح‌ها و الگوهای مداخله‌ای پرداخته شده که نهادهای مختلف در راستای انجام وظایف قانونی خود به انجام رسانده‌اند. درنهایت در این پژوهش الزامات تدوین طرح مداخله جامع تشریح شده است. بیش از بیست سال از نخستین طرح‌های سامان‌دهی کودکان کار و خیابان می‌گذرد و نهادهای متولی، طرح‌های سامان‌دهی مختلفی در مواجهه با پدیده کودکان کار و خیابان طراحی و اجرا نموده‌اند. چالش‌هایی از جمله «عدم پوشش انواع مختلف کودکان کار و خیابان»، «غلبه رویکرد جمع‌آوری بر جذب»، «تقلیل توانمندسازی کودکان کار و خیابان به مساعدت مالی»، «غلبه نگاه کوتاه‌مدت به توانمندسازی به‌جای فرایندی دیدن آن»، «عدم پوشش کودکان اتباع»، «عدم اجماع در خصوص نحوه مواجهه با پدیده کودکان کار و خیابان»، «عدم ارتباط صحیح سمن‌ها با نهادهای دولتی» و «عدم توجه به ریشه‌های بروز پدیده کودکان کار و خیابان» از دلایل اصلی شکست طرح‌های مداخله در سامان‌دهی کودکان کار و خیابان

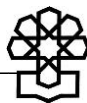
بوده است. درنهایت در گزارش پیش رو «مفهوم‌شناسی گونه‌های کودکان کار و خیابان» و تفکیک کودکان کار، خیابان و زباله‌گرد، «شناسایی بسترهای بروز پدیده کودکان کار و خیابان» و همچنین «تهیه آمارهای دقیق از کودکان کار و خیابان» به‌عنوان سه الزام مهم در تدوین طرح مداخله جامع تشریح شده است.

مقدمه

کودکان کار و خیابان به مثابه یکی از آسیب‌های اجتماعی از مصادیق روشن نابرابری اجتماعی است که ضرورت مداخلات نهادهای دولتی و غیردولتی را ایجاب می‌نماید. همه‌گیری بیماری کرونا و در پی آن شوک‌های اقتصادی و تعطیلی مدارس، موضوع حقوق کودک در عرصه بین‌المللی را به محور توجهات نهادها و دولت‌های مختلف مبدل نموده است.^۱ اگرچه پدیده کودکان کار و خیابان در نقاط مختلف دنیا شیوع دارد، اما علل موجه و تداوم‌بخش آن در کشورهای مختلف یکسان نیست و سیاست‌های اجتماعی مختلفی جهت سامان‌دهی این کودکان مورد نیاز است.

ایران نیز یکی از کشورهایی است که از بروز و گسترش پدیده کودکان کار و خیابان و پیامدهای اجتماعی ناگوار آن مصون نمانده و هرچند آمار دقیقی از میزان کودکان کار و خیابانی در ایران وجود ندارد، اما آمارهای پراکنده و یافته‌های برخی مطالعات مقدماتی در رابطه با این پدیده، حاکی از روند رو به افزایش آن به‌ویژه در کلان‌شهرهاست. جمعیت کودکان کار و خیابان در ایران از ترکیبی خاص نیز برخوردار است و آمارهای اخذ شده از سازمان بهزیستی، شهرداری و نیروی انتظامی، حکایت از حضور ۸۰ درصدی کودکان اتباع

۱. براساس گزارش صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) آخرین برآوردهای جهانی نشان می‌دهد که تعداد کودکان کار در سراسر جهان به ۱۶۰ میلیون نفر رسیده است.



در بین کودکان کار و خیابان در ایران دارد. درگیری و ناآرامی‌های موجود در مرزهای شرقی کشور ایران از یک سو و افزایش مشکلات اقتصادی در سال‌های اخیر در داخل کشور از سوی دیگر، مسئله کودکان کار و خیابان را روزبه‌روز به مسئله‌ای جدی‌تر تبدیل کرده و شناخت و دستیابی به الگوی مداخله دقیق در این زمینه را ضروری کرده است.

نظر به اهمیت موضوع کودکان کار و خیابان، در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۴۰۰-۱۳۹۶) پدیده کودکان کار و خیابان به‌عنوان یکی از آسیب‌های اولویت‌دار اجتماعی مطرح شده است. براساس بند «ح» ماده (۸۰) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، «سازمان بهزیستی مکلف شده است با همکاری سایر دستگاه‌ها تا پایان اجرای قانون برنامه کودکان کار را به‌نحوی سامان‌دهی نمایند که جمعیت این افراد حداقل بیست‌وپنج درصد (۲۵٪) کاهش یابد».

در گزارش نخست از سلسله گزارش‌های کودکان کار و خیابان به ارزیابی قوانین و مقررات این حوزه پرداخته شد و چنانکه اشاره شد نهادهای مختلف تکالیف گوناگونی جهت سامان‌دهی وضعیت کودکان کار و خیابان داشته‌اند و نقش سازمان بهزیستی در این زمینه نقش اصلی است و بسیاری از طرح‌های مداخله با محوریت این سازمان به انجام رسیده است. رصد میدانی و بررسی گزارش‌ها نشان می‌دهد، اقدامات انجام گرفته چندان موفقیت‌آمیز نبوده^۱ و با توجه به چندلایه بودن و پیچیدگی پدیده کودکان کار و خیابان چالش‌های مختلفی برای سامان‌دهی این افراد وجود داشته است. اکنون که در سال آخر اجرای برنامه ششم و در آستانه تدوین برنامه هفتم قرار داریم، ضروری است ضمن بررسی طرح‌ها و الگوهای مداخله در راستای سامان‌دهی کودکان کار و خیابان، به الزامات تدوین الگویی مناسب در این زمینه براساس سازوکارها و بسترهای موجود پدیده کودکان کار و خیابان پرداخته شود.

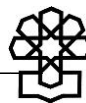
۱. عهدیه اسدپور و منصوره اعظم آزاده، (۱۳۹۹) فراتحلیل مطالعات عوامل اثرگذار بر پیدایش کودکان کار و خیابان، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۷ (۱۶)، ۱۸۷-۲۱۵.

اقدامات و الگوهای مداخله در باب سامان‌دهی کودکان کار و خیابان

در راستای قوانین و مقررات مصوب در خصوص کودکان کار و خیابان و تکالیفی که برعهده دستگاه‌ها و نهادهای مختلف گذاشته شده، طرح‌های سامان‌دهی مختلفی با هدف سامان‌دهی کودکان کار و خیابان به اجرا درآمده است. اکنون بیش از بیست سال از نخستین طرح‌های سامان‌دهی کودکان کار و خیابان می‌گذرد. طرح تجهیز و راه‌اندازی مراکز جمع‌آوری، شناسایی و هدایت متکدیان و کودکان خیابانی، طرح مراکز شناسایی، تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی، طرح سامان‌دهی کودکان خیابانی، طرح مهمانسرای (پناهگاه) سلامت کودکان خیابانی و... بخشی از طرح‌های مرتبط در این زمینه بوده که در جدول ۱ این طرح‌ها به تفکیک سال اجرا، مجری و شرح فعالیت آنها آمده است.

جدول ۱. طرح‌های اجرا شده در حوزه کودکان کار و خیابان

ردیف	عنوان طرح	سال	مجری	شرح
۱	طرح تجهیز و راه‌اندازی مراکز جمع‌آوری، شناسایی و هدایت متکدیان و کودکان خیابانی	۱۳۷۸	بهزیستی با همکاری شهرداری، نیروی انتظامی و معاونت امور اجتماعی	این طرح در راستای مصوبه شورای عالی اداری، توسط سازمان‌های بهزیستی، شهرداری، نیروی انتظامی و معاونت امور اجتماعی آغاز شد و در ۶ استان کشور به اجرا درآمد.
۲	طرح مراکز شناسایی، تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی	۱۳۷۸	بهزیستی با همکاری شهرداری، نیروی انتظامی	طرح تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی و اجرای آن نیز توسط بهزیستی تهیه و در آغاز در ۱۶ استان کشور و سپس به ۲۸ استان توسعه داده شد.

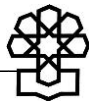


ردیف	عنوان طرح	سال	مجری	شرح
۳	طرح خانه سبز و خانه ریحانه	۱۳۷۸	شهرداری با همکاری نیروی انتظامی	شهرداری تهران نیز از سال ۱۳۷۸ با تأسیس خانه‌های سبز (مخصوص پسران) و ریحانه (مخصوص دختران) در سامان‌دهی کودکان خیابانی فعالیت داشته است که این مراکز در سال ۱۳۸۱ به بهزیستی واگذار شدند و در نهایت به دلایلی چون هزینه‌های بالا تعطیل شدند.
۴	طرح مهمانسرای (پناهگاه) سلامت کودکان خیابانی	۱۳۸۱	بهزیستی با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد	مبتنی بر رویکرد مراکز باز در تهران و ۶ استان دیگر به اجرا درآمد که در نظر داشت امکانی را فراهم آورد که کودکان کار بتوانند شب را در مهمانسرا اقامت کرده و روز را به کار بپردازند و در مدت حضورشان در مهمانسرا نیز از برنامه‌های آموزش، بهداشت، مهارت‌های زندگی و حرفه‌ای استفاده کنند.
۵	طرح سامان‌دهی ۲۰ هزار کودک خیابانی	۱۳۸۱	سازمان بهزیستی و نیروی انتظامی	سازمان بهزیستی و نیروی انتظامی موظف بودند در کل کشور اقدام به جمع‌آوری کودکان خیابانی کنند و پس از بررسی‌های اولیه آنان به مراکز مختلف مانند کانون اصلاح تربیت، کمیته امداد و... ارجاع دهند.
۶	طرح حمایت از کودکان کار (مرحله اول: کار خیابانی)	۱۳۸۲	بهزیستی با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد	توسط سازمان بهزیستی آغاز شد که در واقع تکمیل‌کننده طرح مهمانسرا بوده و ارتقای کودکان کار خیابانی از راه ارائه آموزش گروه‌های داوطلب، آموزش به کارفرمایان و آموزش به جامعه برای مشارکت در برنامه‌ریزی برای کودکان خیابانی را هدف خود قرار داده بود.
۷	طرح سامان‌دهی کودکان خیابانی	۱۳۸۴	بهزیستی با همکاری یازده سازمان دیگر	در این طرح یازده دستگاه از جمله وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، سازمان بیمه خدمات درمانی، سازمان تأمین اجتماعی، صداوسیما، شهرداری‌ها، کمیته امداد، وزارت کار، وزارت رفاه، وزارت دادگستری و نیروی انتظامی در این حوزه دارای تکلیف شدند.

ردیف	عنوان طرح	سال	مجری	شرح
۸	تأسیس مراکز حمایتی و آموزشی کودک و خانواده	۱۳۹۲	بهبیستی با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد	به مراکزی اطلاق می‌شود که براساس مجوز سازمان بهزیستی توسط شخصیت حقوقی (خیریه، انجمن و...) تأسیس و با نظارت آن سازمان فعالیت می‌نماید و کلیه خدمات توانمندسازی کودک خیابانی و خانواده وی به‌استثنای نگهداری شبانه‌روزی از کودک خیابانی با رویکرد خانواده‌محور به انجام می‌رساند.
۹	طرح حمایت‌های اجتماعی از کودکان کار و خیابان (رویگرد دوستدار کودک)	۱۳۹۹	نیروی انتظامی با همکاری سایر ارگان‌ها	در نسخه اصلاحیه آیین‌نامه سامان‌دهی کودکان خیابانی سازمان بهزیستی مکلف شده تا برنامه عملیاتی نحوه سامان‌دهی کودکان کار و خیابان را تدوین و نحوه همکاری دستگاه‌ها را تعیین نماید. در این راستا بهزیستی طرحی تحت عنوان «برنامه اقدام و عمل: حمایت‌های اجتماعی از کودکان کار و خیابان (رویگرد دوستدار کودک)» در دستور کار قرار داده که فرایندهای آگاهی‌بخشی به جامعه؛ شناسایی، جذب و انتقال، توانمندسازی و هدایت و نظارت را انجام می‌دهد.

ارزیابی طرح‌ها و الگوهای مداخله

اگرچه عدم وجود آمارهای مشخص درخصوص کودکان کار و خیابان امکان ارزیابی دقیق طرح‌های اجرا شده را دشوار می‌سازد، اما اجماع نخبگان و متخصصان این حوزه حکایت از آن دارد که طرح‌های سامان‌دهی انجام شده به دلایل مختلف تاکنون نتوانسته‌اند، چندان موفقیت‌آمیز باشند و همچنان این آسیب، به‌عنوان یکی از آسیب‌های اولویت‌دار کشور مطرح است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین چالش‌های طرح‌های حاضر از دیدگاه متخصصان و ذی‌مدخلان این حوزه پرداخته شده است. چالش‌های احصا شده حاصل



نشست‌های مختلف با حضور اشخاصی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، قوه قضائیه، سازمان بهزیستی، شهرداری، نیروی انتظامی، انجمن‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه کودکان کار و خیابان، اساتید دانشگاه و کنشگران مدنی در این حوزه بوده است.

- عدم پوشش انواع مختلف کودکان کار و خیابان: طرح‌های صورت‌گرفته

تاکنون عمدتاً متمرکز بر «کودکان خیابان» یا «کودکان کار در خیابان» بوده‌اند و این در حالی است که کودکان کار صرفاً در خیابان نیستند و تعداد زیادی از کودکان در کارگاه‌های کوچک یا مراکز تفکیک زباله در بیرون از شهر مشغولند و در عمده این طرح‌ها مورد غفلت واقع شده‌اند.

- غلبه رویکرد جمع‌آوری بر جذب: در زمینه جمع‌آوری یا جذب کودکان کار

و خیابان دو رویکرد وجود دارد. در رویکرد اول با اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی، خود کودکان برای دریافت خدمات به مراکز مورد نظر رجوع می‌کنند و در چرخه بازتوانی قرار می‌گیرند. اما در رویکرد دوم به محل فعالیت کودکان مراجعه شده و آنها را به مراکز منتقل می‌کنند. تاکنون «جمع‌آوری» شیوه اصلی ورود کودکان به سیستم خدمات‌رسانی دولتی و نمود بارز فعالیت دولتی برای این دسته از کودکان بوده است. جمع‌آوری شیوه‌ای مبتنی بر اجبار است و اجباری بودن آن مشارکت گروه هدف یعنی کودکان را به حداقل می‌رساند و در آنها احساس ترس، بی‌اعتمادی و خصومت نسبت به سیستمی که آنها را به خود وارد نموده، ایجاد می‌نماید.

- تقلیل توانمندسازی کودکان کار و خیابان به مساعدت مالی: طرح‌های

انجام شده درخصوص توانمندسازی کودکان کار و خیابان، عمدتاً ناظر به توانمندسازی مالی کودکان و خانواده‌هایشان بوده است، در حالی که توانمندسازی، تنها مرتبط به کمک مالی نیست، بلکه بایستی زمینه‌ها و بسترهای مختلفی مهیا شود تا کودکان کار و خیابان بتوانند از چرخه آسیب خارج شوند. این نکته نیز حائز اهمیت است که

مساعده‌های مالی صورت گرفته نیز، به گونه‌ای نبوده است که مانع از حضور کودک در فعالیت آسیب‌زا گردد.

– غلبه نگاه کوتاه‌مدت به توانمندسازی به جای فرایندی دیدن آن:

توانمندسازی امری فرایندی است که گاهی ممکن است چندین سال طول بکشد، اما در حال حاضر عمدتاً کودکان از خیابان‌ها و مراکز شهر جمع‌آوری شده، مدت کوتاهی در برخی از مراکز نگهداری می‌شوند و مجدداً به محل قبل باز می‌گردند. در واقع در این شیوه بیش از آنکه تمرکز بر خود کودکان و توانمندسازی آنان باشد، نهادها درصدد پاک‌سازی چهره شهر از این کودکان در بازه‌های زمانی خاص مانند اعیاد و مناسبت‌ها می‌باشند.

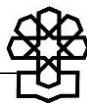
– عدم تناسب بین منابع و مسئولیت‌ها: مسئولیت نهادها در حوزه کودکان کار

تناسبی با منابع و اعتبارات آنها ندارد و به همین دلیل با وجود اینکه برخی از نهادها مسئولیت بیشتری در این زمینه دارند و باید پاسخگو باشند، اما منابع لازم برای انجام مسئولیت‌ها در اختیار آنها قرار ندارد، به‌طور مثال سازمان بهزیستی متولی اصلی سامان‌دهی این کودکان است در حالی که اقامتگاه و فضای کافی جهت پذیرش این کودکان در اختیار آنان قرار نگرفته است.

– عدم پوشش اتباع: یکی دیگر از چالش‌های اساسی کودکان کار، مربوط به

کودکان اتباع است. براساس آمارهای مختلف که توسط سازمان بهزیستی، شهرداری و همچنین نیروی انتظامی ارائه شده است، حدود ۸۰ درصد از کودکان کار و خیابان در کشور را مهاجرین تشکیل می‌دهند. انجام تکالیف نهادهای مختلف در مسئولیت سامان‌دهی اتباع یکی از چالش‌های اساسی در طرح‌های سامان‌دهی کودکان کار و خیابان است.

– عدم اجماع در خصوص نحوه مواجهه با پدیده کودکان کار و خیابان: در



میان کنشگران این حوزه تقریباً نوعی بی‌اعتمادی و عدم اجماع بر سر نحوه مواجهه و مداخله وجود دارد که هریک از آنها طرف مقابل را متهم به ناکارآمدی می‌کنند و گویی در طرح‌های سامان‌دهی فعلی رویکرد روشن و جمعی مبنای عمل و تصمیم‌گیری نهادها نبوده است.

– عدم ارتباط صحیح سمن‌ها با نهادهای دولتی: احاله برخی از مسئولیت‌ها

در طرح‌های سامان‌دهی به انجمن‌های مردم‌نهاد – در حالی که این انجمن‌ها ظرفیت لازم برای ایفای مسئولیت خود را ندارد – یکی دیگر از چالش‌های طرح‌های سامان‌دهی بوده است. در واقع بیش از آنکه تکالیف محوله به این سازمان‌ها براساس ظرفیت آنان صورت گیرد، عموماً سازمان‌های دولتی رابطه کارفرمایی و پیمانکاری با انجمن‌های مردمی برقرار کرده‌اند. علاوه بر این برگزاری جلسات متعدد و نگاه ابزاری برخی از نهادهای دولتی به انجمن‌های مردم‌نهاد، اعتماد آنان را نسبت به متولیان سلب کرده است.

– عدم توجه به ریشه‌های بروز پدیده کودکان کار و خیابان: طرح‌های

سامان‌دهی انجام شده، در آخرین نقطه آسیب قرار داشته‌اند و به‌صورت پسینی و تسکینی به اجرا درمی‌آیند، این در حالی است که پدیده کودکان کار مولود عواملی ریشه‌ای چون فقر، نابرابری، حاشیه‌نشینی، عدم سامان‌دهی اتباع و... بوده و نیازمند اقدامات پیشگیرانه است.

الزامات تدوین طرح مداخله جامع

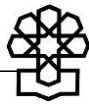
چنانکه دیده شد طرح‌های مداخله پیشین دارای چالش‌های بسیاری بوده‌اند و تاکنون نتوانسته‌اند آنچنان که باید پدیده کودکان کار و خیابان را سامان‌دهی نمایند. هرگونه تصویب قانون و آیین‌نامه‌ای در باب سامان‌دهی کودکان کار و خیابان دارای الزاماتی

است که بدون التفات به آن امکان حل این مسئله میسر نیست. چالش‌های ذکر شده درخصوص طرح‌های مداخله صورت گرفته پیش از این بیانگر این است که هرگونه طرح جدید نیازمند «مفهوم‌شناسی دقیق گونه‌های کودکان کار و خیابان»، «شناسایی سازوکارها و بسترهای موجود هریک از این انواع» و همچنین «ارائه آمار و اطلاعات دقیق از این کودکان» می‌باشد که در ادامه به این موارد پرداخته شده است.

۱. مفهوم‌شناسی گونه‌های کودکان کار و خیابان

به‌نظر خلأ تعریفی جامع از واژگان مرتبط با پدیده کودک کار و خیابان موجب نادیده انگاشتن قشر عظیمی از کودکان کار و خیابان و پوشش حداقلی کودکان در معرض آسیب و آسیب‌دیده شده است. سامان‌دهی کودکان کار و خیابان جز با تعریفی دقیق از گونه‌های مختلف کودکان کار و خیابان و تحت پوشش دادن انواع آن نمی‌تواند میسر شود، بنابراین ضروری است ضمن مفهوم‌شناسی گونه‌های مختلف کودک کار و خیابان به تبیین بسترهای شکل‌گیری هریک از آنها پرداخته شود.

– کودکان کار: مناقشات زیادی بر سر تعریف کودک کار وجود دارد و همه فعالیت‌هایی که توسط کودکان انجام می‌شود را نمی‌توان به‌عنوان کار کودک طبقه‌بندی کرد. سازمان بین‌المللی کار^۱ مشارکت کودکان یا نوجوانان در کارهایی مانند کمک به والدین در اطراف خانه، کمک به مشاغل خانوادگی یا کسب پول توجیبی در خارج از ساعت مدرسه و در تعطیلات مدرسه که سلامتی و رشد فردی آنها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد یا در مدرسه آنها اختلال ایجاد نمی‌کند را مثبت تلقی کرده و معتقد است این نوع فعالیت‌ها به رشد کودکان و رفاه خانواده آنها کمک می‌کند. این‌گونه فعالیت‌ها مهارت و تجربه را در اختیارشان قرار می‌دهد و به آنها کمک می‌کند تا در طول زندگی بزرگسالی خود به



عضوی سازنده در جامعه مبدل شوند. اصطلاح «کار کودک» اغلب به‌عنوان کاری تعریف می‌شود که کودکان را از کودکی، توانایی و منزلت آنها محروم می‌کند و برای رشد جسمی و روحی مضر است. این به کاری اشاره دارد که:

- از نظر ذهنی، جسمی، اجتماعی یا اخلاقی برای کودکان خطرناک و مضر است و/ یا
- مُخل تحصیل آنان در مدرسه است: فرصت تحصیل در مدرسه را از آنها می‌گیرد. آنها را ملزم به ترک زودرس مدرسه می‌کند. یا آنها را ملزم می‌کند برای حضور در مدرسه کار بیش از حد طولانی و سنگین انجام دهند.

اینکه آیا اشکال خاصی از کار را می‌توان «کار کودک» نامید یا خیر، به سن کودک، نوع و ساعت کار انجام شده، شرایط انجام آن و اهدافی که توسط کشورهای مختلف دنبال می‌شود، بستگی دارد. پاسخ به این سؤال می‌تواند از کشوری به کشور دیگر و حتی در نقاط مختلف یک کشور متفاوت باشد.^۱

– **کودکان خیابان**: اصطلاح «کودکان خیابان» نیز تعریف مورد اجماع و مشترکی ندارد و تعریف آن به‌طور قابل توجهی بین سیاستگذاران، محققان، سازمان‌های غیردولتی و سایر بازیگران اجتماعی متفاوت است. سازمان ملل متحد «کودکان خیابان» را به‌عنوان پسران و دخترانی تعریف می‌کند که خیابان برای آنها به خانه و یا منبع معاش تبدیل شده و بزرگسالان مسئول از آنها به اندازه کافی سرپرستی و محافظت نمی‌کنند. این تعریف حاکی از آن است که کودک خیابان ممکن است یک کودک کار، ترک تحصیل کرده، یا یک پسر یا دختر بی‌خانمان باشد.^۲ اخیراً این اصطلاح همچنین شامل کسانی می‌شود که زمان قابل توجهی را در خیابان می‌گذرانند. به‌طور کلی می‌توان گفت کودکان خیابان، کودکانی هستند که به هر دلیلی برای بقای خود به خیابان وابسته هستند.

1. <https://www.ilo.org/ipecc/facts/lang--en/index.htm>

2. Volpi, E. (2002). Street Children: Promising Practices and Approaches.

خیابان برای آنها یک نقطه مرجع مرکزی است، نقش بسزایی در زندگی روزمره آنها دارد و بخشی حیاتی از هویت آنها را تشکیل می‌دهد.^۱

– اشتغال نوجوانان: اگرچه اشتغال افراد زیر ۱۵ سال در قانون کار (مصوب ۱۳۶۹) ممنوع است، اما با شرایطی که در مواد (۷۹) تا (۸۰) در قانون کار معین شده، افراد ۱۵ تا ۱۸ سال می‌توانند در مشاغل مشخصی اشتغال داشته باشند که به آن اشتغال نوجوانان گفته می‌شود. برخی از شرایط اشتغال نوجوانان شامل موارد زیر است:

– در بدو استخدام باید توسط سازمان تأمین اجتماعی مورد آزمایش‌های پزشکی قرار گیرد.

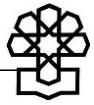
– آزمایش‌های پزشکی کارگر نوجوان، حداقل باید سالی یکبار تجدید شود و مدارک مربوط در پرونده استخدامی وی ضبط گردد. پزشک درباره تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان اظهارنظر می‌کند و چنانچه کار مربوط را نامناسب بداند کارفرما مکلف است در حدود امکانات خود شغل کارگر را تغییر دهد.

– ساعات کار روزانه کارگر نوجوان، نیم ساعت کمتر از ساعات کار معمولی کارگران است. ترتیب استفاده از این امتیاز با توافق کارگر و کارفرما تعیین خواهد شد.

– ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است.

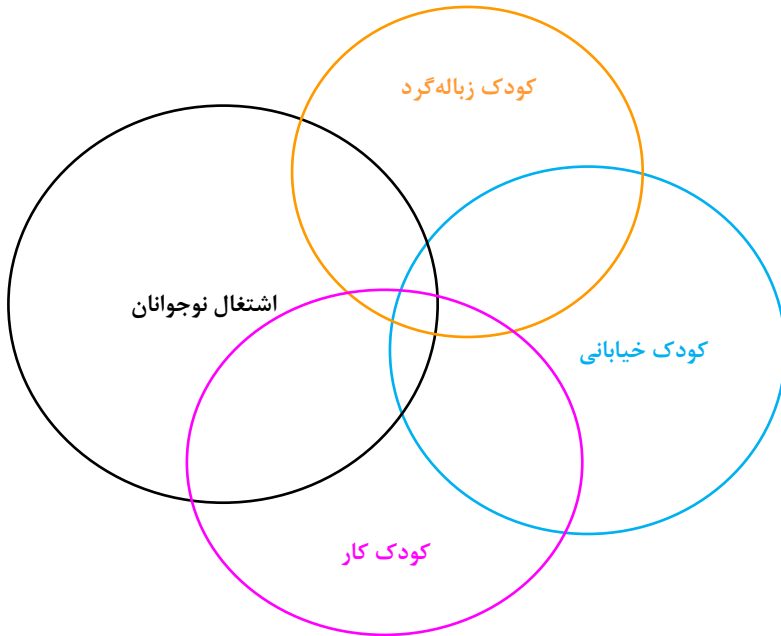
– در مشاغل و کارهایی که به‌علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوان زیان‌آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود.

1. OHCHR, United Nations Children's Fund, Consortium for Street Children and Aviva (2013) Protection and Promotion of the Rights of Children Working and/or Living on the Street.



– **کودکان زباله‌گرد:** کودکان زباله‌گرد به افرادی گفته می‌شود که زیر ۱۸ سال سن دارند و مواد قابل استفاده مجدد یا قابل بازیافت را که توسط دیگران دور انداخته می‌شود را جمع‌آوری و تفکیک می‌نمایند. این کار ممکن است در سطح شهر یا گودهای زباله‌گردی در حومه شهرها و روستاها رخ دهد.

شکل ۱. مفاهیم مرتبط با کودکان کار و خیابان و ارتباط آنها با یکدیگر



طرح‌های مداخله اجرا شده بیشترین تمرکز خود را بر کودکان خیابان یا حداکثر کودکان کار در خیابان داشته‌اند و بعضی از گونه‌های بسیار آسیب‌زای کارِ کودک مانند فعالیت در گودهای زباله‌گردی و مراکز پسماند، عمدتاً مورد غفلت واقع شده است. اگرچه کودکان کار، خیابان، زباله‌گرد و اشتغال نوجوانان همگی دارای یک وجه اشتراک مشخص

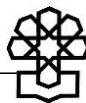
هستند و آن اطلاق شدن این مفاهیم به افراد زیر ۱۸ سال است؛ اما این مفاهیم وجوه تفریقی نیز دارند که شناخت این وجوه در سیاستگذاری و سامان‌دهی این حوزه بسیار مؤثر است. مفاهیم کودکان کار، کودکان خیابان و کودکان زباله‌گرد هر سه وجهی آسیب‌زا دارند در حالی که اشتغال نوجوانان با شرایط مشخص شده در قانون کار، سوبه‌ای مثبت دارد. بخشی از کودکان کار در سطح خیابان مشغولند و این افراد هم‌زمان کودک کار و خیابان نیز می‌باشند، اما همه کودکان کار نیز لزوماً در خیابان نیستند و بخش زیادی از آنان در کارگاه‌های فاقد شناسنامه و خارج از شهر مشغول به کارند. در حوزه کودکان خیابانی نیز برخی از این کودکان لزوماً مشغول به کار نیستند و کودک کار محسوب نمی‌شوند، بلکه خیابان محل زندگی آنان است. کودکان زباله‌گرد نیز برخی در خیابان به جمع‌آوری زباله مشغولند که در دسته کودکان کار و خیابان نیز قرار می‌گیرند و برخی در گودهای زباله‌گردی خارج شهر حضور دارند.

بسترهای شکل‌گیری گونه‌های آسیب‌زای فعالیت کودک نیز یکسان نیستند و دلایل متفاوت کلان، میانه و خرد برای پدید آمدن آنها وجود دارد، بنابراین در ادامه به رویکردهای موجود در تبیین پدیده کودکان کار و خیابان جهت نیل به طرح مداخله‌ای جامع پرداخته شده است.

– رویکردهای موجود در تبیین پدیده کودکان کار و خیابان

انجام هر گامی برای مداخله و توانمندسازی کودکان کار و خیابان نیازمند شناخت چرایی زایش پدیده کودکان کار و خیابان بوده و هرگونه اقدام بدون آگاهی از بسترهای بروز این پدیده، با شکست مواجه خواهد شد. نظریه‌پردازان در رشته‌های مختلف علوم انسانی، به دنبال بررسی چرایی پیدایش کودکان کار و خیابان بوده و به‌طور کلی در سه سطح به تبیین پدیده کودکان کار و خیابان پرداخته‌اند.

- سطح نخست، سطح کلان است، در این سطح، عواملی همچون توسعه و رفاه اجتماعی،



مهاجرت، تورم، رکود اقتصادی، حاشیه‌نشینی و... به‌عنوان عوامل ساختاری مطمح نظر قرار می‌گیرند. نظریاتی چون نظریهٔ آنومی اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و مدرنیزاسیون از این دسته‌اند و تحقیقات مختلفی در ایران از این دیدگاه برای تبیین پدیده کودکان کار و خیابان بهره‌جسته‌اند که از این جمله می‌توان به پژوهش‌های (تولائی و همکاران، ۱۳۸۸ و وامقی و همکاران، ۱۳۸۸) اشاره کرد.

• سطح دوم، سطح میانه یا سطح خانوادگی است که نابسامانی و بی‌سازمانی در نهاد خانواده و ساختار آن را عامل اصلی در بروز پدیده کودکان کار و خیابان معرفی می‌کند، نظریه آنومی خانواده از ویلیام گود^۱ و نظریه اثرات متعامل^۲ در این دسته جای می‌گیرد. تحقیقاتی از جمله (ملفت و حزبلوی، ۱۴۰۰؛ کشاورز حداد و همکاران، ۱۳۹۳؛ افشانی و همکاران، ۱۳۹۱) ناظر به این سطح هستند.

• درنهایت دسته سوم، سطح فردی است که در آن تمرکز اصلی بر ویژگی‌ها و مشخصات کودک کار است. نظریاتی همچون فرهنگ فقر و انتخاب عقلایی بر این اساس به تبیین کار کودک می‌پردازند و تحقیقات (شهرکی و قادری، ۱۳۹۱ و قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸) با این رویکرد به انجام رسیده است.

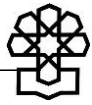
جدول ۲. بسترهای بروز پدیده کودکان کار و خیابان براساس نظریات

شرح	علل کلی
در این سطح، عواملی همچون توسعه و رفاه اجتماعی، مهاجرت، تورم، رکود اقتصادی، حاشیه‌نشینی و... به‌عنوان عوامل ساختاری مطمح نظر قرار می‌گیرند که عاملیت انسانی در آن نقش کمتری دارد.	سطح کلان (جامعه)
در این سطح نابسامانی و بی‌سازمانی در نهاد خانواده و ساختار آن عامل اصلی در بروز پدیده کودکان کار و خیابان معرفی می‌شود.	سطح میانه (خانواده)
دسته سوم، سطح فردی است که در آن تمرکز اصلی بر ویژگی‌ها و مشخصات کودک کار است.	سطح خرد (فرد)

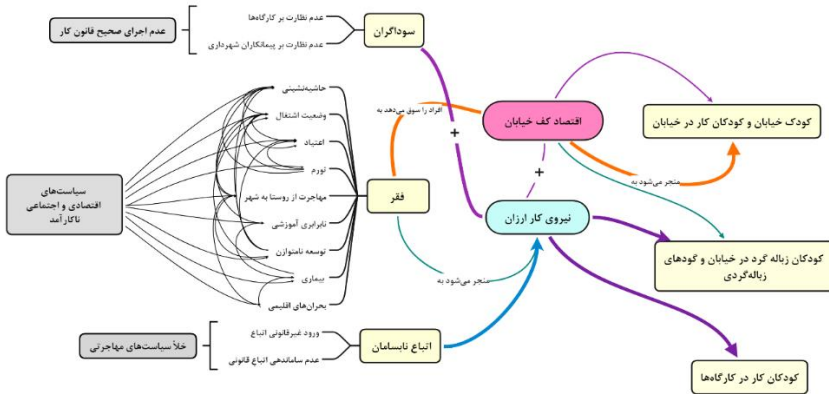
تحقیقات صورت گرفته در ایران نشان می‌دهد مجموعه‌ای از عوامل موجب شکل‌گیری پدیده کودکان کار و خیابان شده و این در حالی است که عمده طرح‌های مداخله ناظر بر سطح خرد و وضعیت خود کودکان کار و خیابان بوده است. انتخاب بهزیستی - با ماهیتی حمایتی - به‌عنوان مهم‌ترین نهاد متولی در این زمینه نیز نشان می‌دهد رویکرد اصلی رویکرد حمایت از فرد آسیب‌دیده بوده و کمتر به بسترهای اجتماعی مولد این پدیده توجه شده است. شناخت سازوکارهای شکل‌گیری پدیده کودکان کار ما را قادر خواهد ساخت تا مداخله را در نقطه‌ای صورت دهیم که بیشترین اثربخشی را داشته و درواقع گلوگاه زایش مسئله را هدف قرار دهد. لذا در ادامه به بسترها و سازوکارهایی پرداخته شده که در لایه‌های مختلف پدیده کودکان کار و خیابان را موجب می‌شوند.

۲. شناسایی بسترهای بروز پدیده کودکان کار و خیابان

پدیده کودکان کار و خیابان، پدیده‌ای خلق‌الساعه نبوده و در نتیجه ارتباط مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به‌وجود آمده است. در شکل ۲ بسترهای بروز پدیده کودکان کار و خیابان در سه لایه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.



شکل ۲. سازوکار ارتباط لایه‌های مختلف در بروز پدیده کودکان کار و خیابان



– لایه اول: اقتصاد کف خیابان تقاطع سوداگری و نیاز: در لایه اول «اقتصاد کف خیابان» منبعی است برای رجوع افرادی که یا به دلیل فقر و نیازمندی یا به دلیل سوداگری به این منبع رجوع می‌کنند. منظور از اقتصاد کف خیابان، درواقع «جریان پولی‌ای» است که از «جمع‌آوری و تفکیک زباله»، «فروش کالا و ارائه خدمات در خیابان توسط کودکان» و «کمک‌های خیریه‌ای مردم در خیابان» حاصل می‌شود. مادامی که این جریان پولی در خیابان موجود است، ناگزیر شاهد افرادی خواهیم بود که از این اقتصاد بهره می‌برند. در این فرایند کودکان به دلیل نابسامانی ناشی از مهاجرت و همچنین فقر، یا توسط خانواده راهی خیابان می‌شوند و یا افرادی سودجو آنها را به‌عنوان نیروی کار ارزان به خدمت می‌گیرند. کودکان – به‌عنوان نیروهایی که بیمه‌ای برای آنها پرداخت نمی‌شود، قدرت چانه‌زنی ندارند، بعضاً فاقد اوراق هویتی می‌باشند، مهارت اندک و دستمزد بسیار پایینی دارند و ساعت‌ها اضافه‌کاری می‌کنند – از جمله ارزان‌ترین نیروهای کار به‌شمار می‌آیند و کارفرمایان همواره تمایل زیادی به استفاده از آنان در این فرایند داشته‌اند. بنابراین در لایه

اول «اتباع نابسامان»، «فقر» و «پیمانکاران و کارفرمایان سوداگر» سه بستر اصلی موجود کودکان کار خیابان هستند که با یکدیگر مرتبط بوده و در تلاقی «نیروی کار ارزان» و «بازار کف خیابان» بروز کودک کار و خیابان را موجب می‌شوند.

– لایه دوم: عدم نظارت، اتباع نابسامان، ساختار فقرزا: لایه عقب‌تر، فقر، اتباع نابسامان و سوداگری خود زاییده بسترهای دیگری هستند. «عدم نظارت بر کارگاه‌ها و پیمانکاران شهرداری» در ایجاد سوداگری دخیل است؛ «ورود غیرقانونی اتباع و عدم نظارت و سامان‌دهی اتباع قانونی» بر نابسامانی اتباع مؤثر است و فقر نیز مولود «مجموعه‌ای از مسائل اجتماعی، اقتصادی و طبیعی» از جمله «حاشیه‌نشینی، تورم، اعتیاد، مهاجرت از روستا به شهر، وضعیت اشتغال (اشتغال ناقص)، کار با درآمد پایین، بیکاری و...»، نابرابری آموزشی، توسعه نامتوازن، بیماری، بحران‌های اقلیمی و... است که این مسائل دارای ارتباطی پیچیده با یکدیگرند و گاه‌ها هم‌افزا نیز هستند.

– لایه سوم: خلأ تقنینی، سیاست ناکارآمد و اجرای ناقص: در لایه سوم و لایه زیرین این مسائل با سه کلان‌مسئله تقنینی، نظارتی و اجرایی مواجهیم. در مورد اتباع، «خلأ سیاست مهاجرتی» منجر به عدم نظارت و سامان‌دهی اتباع قانونی و غیرقانونی شده است. در باب فقر «سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ناکارآمد در دولت‌های مختلف و همچنین عدم اجرای برخی از سیاست‌های کارآمد» را می‌توان دلیل اصلی به‌شمار آورد و در نهایت عدم نظارت بر کارگاه‌ها و پیمانکاران شهرداری را می‌توان در «عدم اجرای صحیح قوانین مرتبط با منع کار کودک» ریشه‌یابی کرد.

– سازوکار ارتباط لایه‌های مختلف مؤثر بر بروز گونه‌های کودکان کار و خیابان: براساس آنچه مشاهدات تجربی و میدانی نشان می‌دهد با سه نوع کودکان کار و خیابان مواجهیم: «کودکان خیابان و کودک کار در خیابان»، «کودکان زباله‌گرد» و «کودکان



کار در کارگاه‌ها». مسیر یا سازوکار شکل‌گیری هریک از این انواع به شکلی تقریباً متفاوت است. در بحث کودکان کار در خیابان و کودک خیابان، «فقر» بیشترین تأثیر را دارد. فقر خانواده آنها را به سمت جریان پولی کف خیابان (فروش برخی از کالاها و خدمات به شهروندان در خیابان، استمداد از اعانه‌های مردمی در خیابان و جمع‌آوری زباله) سوق می‌دهد. در مورد کار کودک در خیابان (بجز زباله‌گردی در سطح شهر)، کمتر می‌توان از مافیا یا سیستم سازمان‌دهی شده منظم، بحثی به میان آورد و عمدتاً کودکان برای امرار معاش خانواده به جریان پولی کف خیابان هدایت می‌شوند، البته در موارد معدودی نیز فقر منجر به این می‌شود که کودکان به‌عنوان نیروی کار ارزان در اختیار برخی از افراد سودجو قرار گیرند و در خیابان به کار گرفته شوند. برخلاف کودکان کار در خیابان که عمدتاً به‌صورت انفرادی یا به‌وسیله سرپرست فقیر به کار واداشته می‌شوند، در خصوص کودکان زباله‌گرد و کودکان مشغول به کار در کارگاه‌ها مسئله به‌گونه‌ای دیگر است و جریان اصلی از وجود اتباع پُرشمار غیرمجاز (که بعضاً نیز به‌صورت قاچاق توسط سودگران به کشور وارد می‌شوند) و همچنین خانواده‌های فقیر که تأمین‌کننده نیروی کار ارزان هستند، می‌گذرد. وجود این تعداد نیروی کار ارزان، پیمانکاران و کارفرمایان سودجو را در خلأ نظارت‌های دقیق در بهره‌کشی از کودکان آزاد گذاشته است.

۳. تهیه آمارهای دقیق از کودکان کار و خیابان

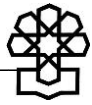
یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری و قانونگذاری در جوامع مختلف، «وجود آمار و اطلاعات دقیق» در حوزه‌های مورد نیاز است و این در حالی است که کمبود آمار و اطلاعات متقن به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی پدیده کودکان کار و خیابان همواره مورد بحث قرار گرفته است. عدم وجود آمارهای مشخص نه‌تنها امکان تصمیم‌گیری دقیق در این حوزه را از سیاست‌گذاران سلب کرده، بلکه امکان ارزیابی دقیق فعالیت

نهادهای متولی را نیز غیرممکن نموده است. بر همین اساس اگرچه در بند «ح» ماده (۸۰) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) مقرر شد «با اقدام سازمان بهزیستی و همکاری سایر دستگاه‌ها تا پایان اجرای قانون برنامه سامان‌دهی کودکان کار به‌نحوی صورت گیرد که جمعیت کودکان کار حداقل بیست‌وپنج درصد (۲۵٪) کاهش یابد». اما عدم وجود آمارهای دقیق در این زمینه امکان ارزیابی فعالیت‌های انجام شده در این قانون برای نهادهای نظارتی میسر نیست.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سیاست‌های اجتماعی عموماً معطوف به بهبود زندگی بخش‌هایی از جامعه‌اند که به‌تنهایی و بدون کمک بیرونی نمی‌توانند حداقل‌های زندگی خود را تأمین کنند و یکی از شناخته‌شده‌ترین این گروه‌ها در اکثر جوامع کودکان کار و خیابان هستند. کودکان قشر عظیمی از جوامع را تشکیل می‌دهند که به دلایل مختلف از جمله سن کم و مهارت‌های ناکافی، توانایی مراقبت و حمایت کامل از خود را نداشته و در معرض آسیب‌های گوناگون روحی و جسمی قرار دارند.

در دهه‌های اخیر قوانین و مقررات مختلفی جهت حمایت از کودکان نگاشته شده و در راستای قوانین و مقررات و تکالیفی که برعهده دستگاه‌ها و نهادهای مختلف گذاشته شده، طرح‌های سامان‌دهی مختلفی در این خصوص به اجرا درآمده است. با وجود این عدم پوشش انواع مختلف کودکان کار و خیابان، غلبه رویکرد جمع‌آوری بر جذب، تقلیل توانمندسازی کودکان کار و خیابان به مساعدت مالی، غلبه نگاه کوتاه‌مدت به توانمندسازی به‌جای فرایندی دیدن آن، عدم پوشش اتباع، عدم اجماع درخصوص نحوه

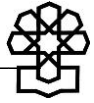


مواجهه با پدیده کودکان کار و خیابان، عدم ارتباط صحیح سمن‌ها با نهادهای دولتی و عدم توجه به ریشه‌های بروز پدیده کودکان کار و خیابان و... منجر به شکست عمده طرح‌های حاضر شده است.

هرگونه تصویب قانون و مقررات جدید درخصوص سامان‌دهی کودکان کار و خیابان بایستی ضمن توجه به چالش‌های موجود در قوانین، مقررات موجود و طرح‌های مداخله انجام شده، به الزاماتی چون «شناسایی گونه‌های مختلف کودکان کار و خیابان»، «شناسایی سازوکارهای مولد و مقوم هریک از این انواع» و همچنین «گردآوری آمارها و اطلاعات دقیق در این حوزه» بپردازد. در این پژوهش تلاش شد ضمن شناسایی انواع کودکان کار و خیابان، اصلی‌ترین عوامل پیدایش پدیده کودکان کار و خیابان نیز با استعانت از نظرات نخبگان و متخصصان علمی و اجرایی در این حوزه، در سه لایه احصا گردد. نتایج نشان می‌دهد، یکی از گلوگاه‌های اصلی زایش پدیده کودکان کار و خیابان، «اقتصاد کف خیابان» است. منظور از اقتصاد کف خیابان، در واقع «جریان پولی‌ای» است که از «جمع‌آوری و تفکیک زباله»، «فروش کالا و ارائه خدمات در خیابان توسط کودکان» و «کمک‌های خیریه‌ای مردم در خیابان» حاصل می‌شود. پیمانکاران و کارفرمایان سودجو از نیروی کار آسیب‌پذیر و ارزانی که به‌واسطه «نیازمندی خانواده‌های فقیر» و «اتباع نابسامان» شکل گرفته‌اند، سوءاستفاده کرده و به بهره‌کشی از کودکان می‌پردازند. این دسته از کودکان - به‌عنوان نیروهایی که بیمه‌ای برای آنها پرداخت نمی‌شود، قدرت چانه‌زنی ندارند، بعضاً فاقد اوراق هویتی می‌باشند، مهارت اندک و دستمزد بسیار پایینی دارند و ساعت‌ها اضافه‌کاری می‌کنند - از جمله ارزان‌ترین نیروهای کار به‌شمار می‌آیند و کارفرمایان همواره تمایل زیادی به استفاده از آنان در کار داشته‌اند. بنابراین مادامی که این جریان پولی و نیروی کار ارزان در خیابان موجود است، ناگزیر شاهد افرادی خواهیم بود که از این اقتصاد بهره می‌برند.

در لایه دوم «عدم نظارت بر کارگاه‌ها و پیمانکاران شهرداری»، «ورود غیرقانونی اتباع و عدم نظارت و سامان‌دهی اتباع قانونی» و «فقر خانواده» که در نتیجه حاشیه‌نشینی، تورم، اعتیاد، مهاجرت از روستا به شهر، وضعیت اشتغال (اشتغال ناقص، کار با درآمد پایین، بیکاری و...)، توسعه نامتوازن، بیماری، بحران‌های اقلیمی و... است، منجر به استمرار پدیده کودکان کار و خیابان شده و در نهایت در آخرین لایه می‌توان به سه کلان‌مسئله تقنینی و نظارتی در زمینه بروز پدیده کودکان کار و خیابان اشاره کرد که شامل «خلأ سیاست مهاجرتی»، «سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ناکارآمد در دولت‌های مختلف و عدم اجرای برخی از سیاست‌های کارآمد» و همچنین «عدم اجرای صحیح قوانین مرتبط با منع کار کودک» اشاره کرد.

هرکدام از انواع کودکان کار، خیابان و زباله‌گرد با توجه به علل پیدایش آن، نیاز به نوعی مداخله خاص با محوریت نهادهای مرتبط دارند. «کودکان زباله‌گرد» به‌عنوان یکی از انواع کودکان کار و خیابان از جمله گروه‌هایی هستند که دارای بیشترین آسیب هستند و اغلب به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم توسط پیمانکاران بازیافت سازمان‌دهی شده و مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند و زمانی که از مافیای کودکان کار صحبت به‌میان می‌آید، اغلب اشاره به کودکان زباله‌گرد در سطح شهر یا گودهای زباله‌گردی دارد. با توجه به ماهیت و ترکیب خاص این نوع از کودکان کار و خیابان (که بخش عمده آن را کودکان اتباع تشکیل می‌دهند)، وزارت کشور (اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی)، شهرداری (سازمان مدیریت پسماند) و نیروی انتظامی بیشترین نقش را در سامان‌دهی این دسته از کودکان دارند. این در حالی است که به‌دلیل فقدان یا ابهام در تقسیم کار نهادی، وظایف برخی از دستگاه‌ها معطل مانده است. درباره کودکان کار در کارگاه‌های فاقد شناسنامه نیز اصلی‌ترین وظایف برعهده وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی است که از طریق بازرسی منظم کارگاه‌ها و استفاده از ظرفیت انجمن‌های مردم‌نهاد به این مهم بپردازند.



در نهایت به تهیه آمار و اطلاعات دقیق از کودکان کار و خیابان نیز به عنوان یکی دیگر از الزامات تدوین طرح مداخله جامع اشاره شد. در سال‌های اخیر سازمان بهزیستی در برخی از استان‌ها کودکان سامان‌دهی شده را از طریق اطلاعات بیومتریک‌شان تشخیص و تعیین هویت کرده و مشخصات آنها ثبت و کد اختصاصی به آنها داده است. این اقدام در صورت فراگیر شدن و انجام دقیق امکان رصد وضعیت کودکان اتباع غیرمجاز و همچنین کودکان ایرانی فاقد شناسنامه را میسر خواهد کرد.

منابع و مأخذ

۱. اسدپور، عهدیه و اعظم آزاده، منصوره. (۱۳۹۹) فراتحلیل مطالعات عوامل اثرگذار بر پیدایش کودکان کار و خیابان، *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۷ (۱۶)، ۱۸۷-۲۱۵.
۲. افشانی، سیدعلیرضا و دیگران. (۱۳۹۱) تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳ (۴)، ۸۵-۱۰۲.
۳. تولائی، حسین؛ رفیعی، حسن و اکبر بیگلریان. (۱۳۸۸) رابطه کار کودک با توسعه و رفاه اجتماعی. *مجله رفاه اجتماعی*، ۹ (۳۵): ۳۳۶-۳۰۱.
۴. شهرکی، مهدی و سیمین قادری. (۱۳۹۱) بررسی تصمیم به اشتغال و تحصیل کودکان کار در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری*، ۹ (۴)، ۵۷-۸۹.
۵. قاسمی، افسانه و دیگران. (۱۳۹۸) ویژگی‌های جمعیتی اجتماعی کودکان خیابانی و عوامل مرتبط با خیابانی شدن آنها: مطالعه ارزیابی سریع وضعیت در کرمانشاه. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۸ (۱)، ۸۷-۱۱۴.
۶. قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (۱۳۹۶).
۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).
۸. قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰).
۹. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹).
۱۰. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست (۱۳۹۶).
۱۱. قانون کار (۱۳۶۹).
۱۲. کشاورز حداد، غلامرضا؛ نظریور، محمدنقی و محسن سیفی کفشگری. (۱۳۹۳) کودکان کار در

- خانوارهای ایران. *دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، (۱)۱، ۷۴-۴۹.
۱۳. ملتفت، حسین و عزیز جزبوی. (۱۴۰۰) مقدم محمدحسین. کاوشی در بسترهای خانوادگی و نقش آن در بازتولید پدیدهٔ کودکان کار خیابانی در شهر اهواز. *مسائل اجتماعی ایران*. ۱۲ (۱) ۴۰۲-۳۸۱.
۱۴. نعیمایی، بنیامین و علی شکوری. (۱۳۹۵) چالش‌های اجرای نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در ایران دهه ۹۰. *رفاه اجتماعی*. ۱۶ (۶۳): ۹-۵۲.
۱۵. وامقی، مروّنه و دیگران. (۱۳۸۸). مرور نظام‌مند مطالعات کودکان خیابانی در دههٔ اخیر در ایران (فقر، عامل خطر خیابانی شدن کودکان). *مجله رفاه اجتماعی*، ۹ (۳۵): ۳۷۸-۳۳۷.